

In the name of Allah, the beneficent the merciful

رساله مثلث های مدیریت دانش مفید (رساله اول)

Thesis of useful Knowledge management triangles (UKMT)

بر اساس علم وقواعد دانش مفید ، برای فهمیدن وفهماندن ، برای اینکه کسی کلاهت را بردارد

Basis on useful science and rules of useful knowledge (RUK) for understanding and to make understand, because anyone doesnot fraud your hat

این قسمت: مقدمه مثلث های مدیریت دانش مفید بر اساس زمین در حال قرمز شدن

This part: the introduction of useful knowledge triangles (UKMT) and basis on the earth is reddening now.

نویسنده اثر: محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای ویادگیرنده مادام العمر

Author: mahmoud saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man



Mahmoud saneipour

مقدمه

مثلث دانش غرب مطلب تازه ای نیست ، این یک روش آموزشی با همان مدل های قبلی در علم و تکنولوژی است که در قالب مثلث های صوری ، صورت عوض کرده است ، ولی من محتوای مثلث ها را از هستی شناسی دانش مفید تنظیم کردم ، برای رهایی غرب از تحدید حدود وین بست های فعلی در جهان ، منتظر مطالب بعدی من باشید مثلث دانش مفید یک مفهوم جدید است ، این مفهوم چالش جدیدی در جهان ایجاد میکند و راه حل میدهد ، یادتان باشد بزرگترین چالش بشر و نیروهای پنهان، در قالب نصایح

1 | Page

محمود صانعی پور: خبره میان رشته ای ویادگیرنده مادام العمر (98 - 9121195673 +) بیش از 40 رشته تخصصی مبتنی بر حکمرانی ، رهبری ، مدیریت ، بر اساس قواعد مدیریت دانش مفید UKRM

Mahmoud Saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man

, mahmoudsaneipour@gmail.com www.elmemofid.com

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

، مدل ها ، روش ها و یا بازی با ریاضی است ، در قدیم حکما، این طرق را بکار نمی بردند، جز رمال ها و طاس انداز ها ، حالا این رویه دانش بنیان شده است !.

The West Knowledge Triangle is not new; this is a method of training by the same previous models in the science and technology that changed face by other Triangle formats, but I set it up the content of triangles from ontology about useful knowledge, to liberate the West from limiting the limits in the world, wait for my next post, the Triangles of useful knowledge is a new concept, this concept creates many challenges and get many solutions, do not forget, the Greatest Human Challenge and the Hidden Forces are in Advice template, models, Methods or games with math, in the old days, the intellectuals did not use these methods except eomancies and throw dicers, now this knowledge is based!.

مثال خودم را از بازار قرمز یا سرخ (red market) شروع میکنم که از سال 1934 پایه گذاری شده و اشاعه یافت ، بازاری است که بدلیل فاصله شدید درآمدی مردم ، فاصله زیاد فقر و غنی ، فرضیه عرضه و تقاضا (Supply and demand) شکل گرفته است و مدل عرضه و تقاضا را در اقتصاد نئو کلاسیک از ارزش ذاتی انداخته است ، عرضه و تقاضا در رقابت های خصمانه بی اثر است ، حداکثر سازی سود برای چپاول گران تجاری و حداقل سازی سود برای کسبه و تجار خرده پا و ناتوان یکی از خصوصیات بارز بازار قرمز است ، یکی با تولید انبوه (Mass production) یک بازار انحصاری ایجاد کرده و سهم غالب بازار را به خودش اختصاص داده و ایجاد مثلث" از انبارهای بزرگ کمپانی ، به انبارهای کوچک خانه ها ، انباشت و اسراف کالا و مواد) میکند، هم هزینه انبارداری را به گردن خریدار انداخته و هم مردم را به حرص و تکاثر و انباشت صدها قلم به عنوان مد (Mode) و مارک (Mark) و برند (Brand) ترغیب نموده است .

I start my example from the red market that Founded in 1934, it was founded, the market is formed for the reason that of the huge income gap people have, high poverty and rich gap and theory of Supply and demand and fall down the Supply and demand from Intrinsic value, Supply and demand is not effective in hostile competitions, Maximizing Profit for Commercial plunders and Minimize profits for weakness businesses and small businesses is one of the characteristics of the red market, anyone by Mass production created a monopoly market and the dominant market share is dedicated to itself and created triangle as” From the large

2 | Page

محمود صناعی پور: خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر (9121195673 - 98 +) بیش از 40 رشته تخصصی مبتنی بر حکمرانی ، رهبری ، مدیریت ، بر اساس قواعد مدیریت دانش مفید UKRM

Mahmoud Saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man

, mahmoudsaneipour@gmail.com www.elmemofid.com

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

warehouses of the company, to small stores of people's homes, Accumulation of goods and materials", the cost of warehousing has been put to the buyer's neck and also, Encouraging people to greed and accumulate hundreds of pens as mode, mark and brand.

در این بازارها که سرعت در حال رشد و توسعه است، شما فقیرانی میبینید که کارتن خواب هستند (حتی در کشورهای توسعه یافته) و یا دستشان را بسوی شما دراز میکنند و کرامت و عزت انسانی خود را زیر پا میگذارند و زنانی که تن فروشی میکنند و قدسیّت و ارزش ذاتی خود را بر باد میدهند، در این بازارها هزاران اغذیه فروشی، رستوران، هتل و کاباره وجود دارد که عده ای پول دار که با دلالتی و بست و بند این بازارهای وحشتناک، به گران کردن اجناس مورد نیاز مردم میپردازند، در حال خوردن و نوشیدن هستند و کسانی که یک پنجاهم درآمد این غارت گران را ندارند، سالها نمی توانند با خانواده خود در این رستورانها یک غذای دلخواه را میل کنند، لذا بازاری است عقده ساز، کینه ساز، انتقام ساز و... و ثمره این فاصله ها برای ایجاد مثلث "تراکم ازدحام در دادگاه ها، بیمارستان ها، افزایش تورم و بیکاری" میشود که نام این مثلث را مثلث شوم نهادم (به مجموعه مقالات من در این مورد مراجعه شود) و برابر مدل های بازاریابی نوع سرمایه داری ظالمانه، مشاوران و بازاریابان غربی به کشورهای شرقی و یا همایش های کشورهای مختلف هجوم آورده، این مدل ها را تدریس یا القاء میکنند و مبالغ گزافی به جیب میزنند، در چنین میدان نبردی (battle field)، بازار اجتماعی (Society market) و بازار سفید (White market) یک توهم و یا یک شعار بیش نیست، به مثلث های زیر نگاه کنید:

In such markets those it is growing rapidly, you see any cardboard sleepers who in these markets (even in developed countries) or they reach out their hands to you and they break up their esteem and greets, the women how are selling her body and dissipate her sacrifice and inherent value, in these markets there are thousands of delicatessen, restaurant, Hotel and cabaret that some people are eating those who with go-between and these horrible markets, it is expensive to make goods of the people and those who do not have a fifth income from these plunders, for many years, you can not eat your favorite food with your family in these restaurants at all, therefore, the market is making problems, making rancor, revenge and so on, Use these spaces to create triangle "Congestion in Courts, hospitals, Increasing inflation and unemployment" I called the triangle a ill luck triangle (refer to my articles about this matter) and according to this marketing models of the kind of

3 | Page

محمود صانعی پور: خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر (9121195673 - 98 +) بیش از 40 رشته تخصصی مبتنی بر حکمرانی، رهبری، مدیریت، بر اساس قواعد مدیریت دانش مفید UKRM

Mahmoud Saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man

, mahmoudsaneipour@gmail.com www.elmemofid.com

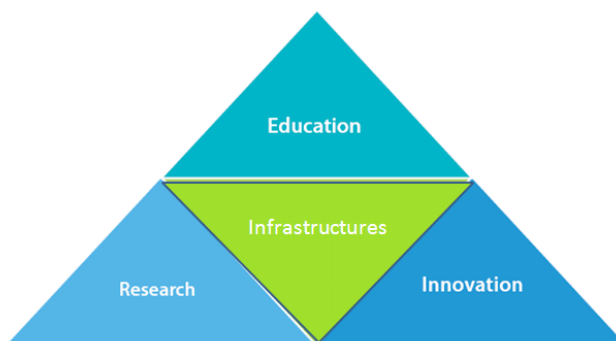
UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

outrageous capitalism, western consultants and marketers to eastern countries and confrances , these models are taught or induced and pocketed a lot of money so , in like battle field , an illusion or a slogan not except Society market or white market, see to abow triangles:(fuger 1):

شکل یک (Figure 1)



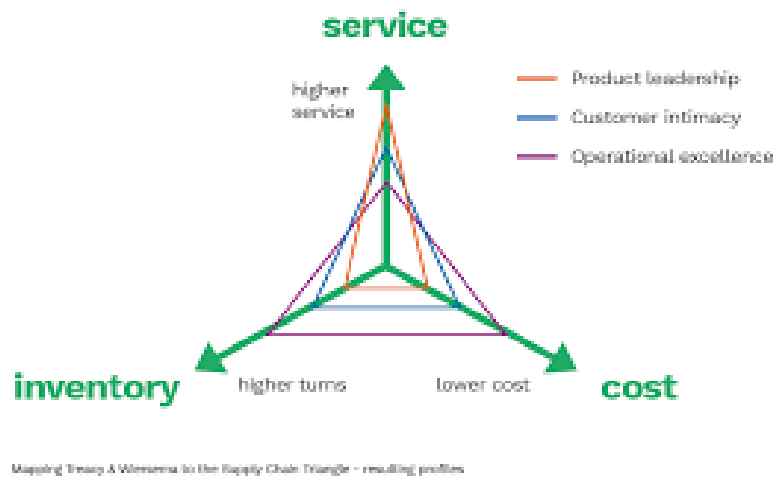
مثلت(آموزش ، تحقیق ونوآوری " کلمات زیبنده ای است ، اما چه کسی وبا نیتی وقصدی ؟، با چه محتوایی و... به آموزش این مثلث می پردازد ، آیا برای رقیب گُشی است ، مثل شیر وپلنگ که بفکر توسعه قلمروی خود دربیابان وحش هستند ، ماکیاولی عمل میکند وبه موضوعاتی مثل رحم وانصاف وانسانیت را کاری ندارند حتی به بهینه پاراتو هم (که از نظر من باطل است) توجه ای ندارند ، لذا در عصری زیست میکنیم که حرف های زیبا می زنند(حرف حق میزنند ولی مراد باطل دارند!)، مانکن های هم مشتریان را خیره میکنند ولی در نهان این کلمات زیبا ، حيله ها ودست آویز های فراوانی نهفته است وان موقع این واقعیت را درمی یابی که چنان کلاه گشادی سرت گذاشته اند که روبرویت را نیز نمی بینی ! ، مثلث زیر که معنی ومفهوم سخن مرا بهتر نمایان می کند(شکل 2)، وارد محتوا وتکنیک میشود ، مثلث" خدمات برتر ، موجودی کالا، هزینه " است ، یعنی از یک طرف تولید انبوه (Mass production) است ، شرکت تعاونی نیست ، متعلق به یک لرد است، یک کارتل تشکیل داده است وبا تولید انبوه ، قیمت شکنی میکند وتولید کننده خرده پا قدرت مقابله با او را ندارد ، حالا یک ضلع این مثلث بالاترین خدمات(Highest Servisec) است بهر طریقی که میسور باشد کاری به حرام وحلال ندارد تا برسد به اینکه دیگران هم حقی دارند ، ضلع دیگرش موجودی (Inventory) که باید بالاترین گردش (Higher turnover) را داشته باشد وضلع سوم آن بایدپائین ترین هزینه (Lowest cost) را داشته باشد ، من که دانش بازار دارم ویک استراتژیست کهنه کار هستم ، در مثلث رهبری تولید (Product Leadership)- مثلث قرمز ، اگر شیطان به چلد من رسوخ کند ، بهترین مشاور برای این آدم بد جنس وچپاول گر هستم ، یک طرح میدهم از انبار کمپانی بزرگ به انبارهای خانه های مردم (from big company,s warehouse to people,home-stores)، بقیه اش را تا تکمیل چپاول گری ، شیطان بزرگ بمن درس میدهد ، فقط باید دین ، وجدان وحتى عقل سلیم را کنار بگذارم که کمک کنم به چپاول گری سرمایه داری مسلط جهانی، رنگ مثلث آبی

زیر به عنوان مشتری (Customer Intiracy) است که مربوط به نژاد های گوناگون است و اضلاع آن چیست؟ در متن رساله آمده است و مثلث بنفش به عنوان برتری عملیاتی (Operational excellence) است که اضلاع آن در متن رساله آمده است و بهمین ترتیب به صدها مثلث سلطه (Triangle Sovereignty) در منابع و مراجع آنها آشنا شدم و آنها را با قواعد دانش مفید که حق و حقوق شهروندی را به حقیقت رعایت کند و از نصیحت گوئی (که نیم کردار نیست - سعدی) و شعار دادن های بیهوده پرهیز میکند، در این رساله آمده است و عواقب سرمایه داری غرب را با براهین کافی مورد تدقیق و تعمیق قرار گرفته و آینده شوم آنها بخاطر ایجاد فاصله های درآمدی و 70 در صد فقر جهانی (که 50 میلیون نفر گرسنه آن در آمریکا هستند) بعنوان نتایج این ظلم عظیم مسطور شده است (وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ - آیه 54، سوره آل عمران).

It is suitable the triangle” training, reaserch and innovation” But who is the intentional aim? , by what contents? And so on, will pay by what teaching? Is it for rivalry? Such as lion and leopard, who think of developing their realm in wildlife? Machiavelli acts and they do not do things like mercy and sincerity, even the optimal Paratou (which, in my opinion, is null and void) is not relevant, so we live in an age that speech beautiful (Letters are right but they are falsehood!), Mannequins are also staring the customers, but in hidden beatiful speeches, it is latent many trict and Hands on hand and at that time he realized that you have a wide hat that you can not see! The second triangle show us better concept (figure 2), gets enter content and techniques, triangle is "superior service, inventory, cost", it means mass production on the one hand, not a cooperative company owned by a lord, it has formed a cartel and mass production, Breaking the price and the petty producer does not have the power to deal with him, now the side of this triangle is the highest service, the other side has the highest turnover and third side by Lowest cost!, I have who I am market knowledge, I am an old strategist, In the triangle leading the red market,if satan penetrates into my inner , I am the best consulting for these plundering men , I'm giving a plan as” from big company,s warehouse to people,home-stores” The rest of it to complete the plunder,the satas teach me! , I just have to leave religion, conscience, and even common sense, which I help to global overruning capatalism, the color triangle blue depends to customer intiracy that is relevant to varities origins and what is it? It has come in the Thesis,s content, And purple triangle is as operational excellence Its sides have come in the Thesis,s content and so I know to hundreds of trivialities of domination triangles Sovereignty in many referances and I adapted them by UKRT and has come in this Thesis and the consequences of Western capitalism I have set With enough proof in deeply and I remembered their bad luck future in income gap

and 70% poverty in the world (50 million people are hungry in the United States)
 As a result of this great tyranny(And the disbelievers planned, but Allah planned. And Allah is the best of planners.verse 54, sura al-emran).

(Figure 2) شکل دو



https://en.wikipedia.org/wiki/Knowledge_triangle

مثلث های مدل های بازاریابی ، اقتصاد ، سیاست و غیره سرمایه داری غرب این گونه ساختارهای غیر عادلانه را با سرعتی بیش از روند سرعتی اتومبیل ها ، قطارها و هواپیما ها ، گسترش و توسعه یافته و همین طور که در متن اصلی رساله در یکی از اکادمی های معتبر ارائه خواهد شد(انشاء الله تعالی) ، دچار مصائب روزافزونی شده که امروز در جهان آشکار شده است و در این آشوب خود ساخته ، جریان تکوینی ربطی به کشوری ، یا شخص خاصی ندارد ، با اعمال کشورها و جوامع بشری سروکار دارد (**برای تبرئه خود بدنبال نشان دادن مقصر خیالی نباشید!**) که همین هم عذر بدتر از گناه است و سرمایه داری دیگر قادر نخواهند بود به رفع فقر کمک موثری بکنند ، بیماری ها را کاهش داده و یا فاصله درآمدی مردم را برای برابری قدرت خرید (Purchasing power parity -PPP) عادلانه و حقوق معیشتی (livelihood Right) اصلاح نمایند ، برای اینکه نظم حقیقی که از این جریان آشوب ایجاد شده ، مثل سونامی عمل میکند و با نظام اعتباری و یا نسبی قدرت های مدعی در جهان ، ارزیابی انطباقی (Conformity Assessment) ندارد و خود مسیرهای عدالت گستری را به نفع فقیران و بینوایان تنظیم میکند و شما قادر نیستید مدل ها و الگوریتم های طراحی کنید که امور خودتان را با این جریان توفنده (

وقوع چنین بیداری در جامعه مرفه از قبیل کارتل ها (Cartels)، تراستها (Trusts) بورژواها (Bourgeois) نیستم (The crashing current) منطبق کنید و این موضوع به بیداری خاصی نیاز دارد که این مولف ، شاهد

The triangles of marketing, economy, policy and other in capitalism is increased so fast in the world more than speed of rail, air plan and satellite and Has suffered an increasing passion that has become apparent today in the world, and in this chaos self-made, the genesis currents have nothing to do with a country or a particular person, dealing of many activities from countries and manybodies(**Do not imagine your perpetrator to justify your acquittal!**) the same excuse is worse than sin and capitalism will not be able to make an effective contribution to poverty alleviation, reduced illness and or change the income gap of the people for Purchasing power parity –PPP, Right livelihood and else, for the true order created by this turbulent flow, it works like a tsunami and does not have an adaptive evaluation by the system of credit or relative power in the world and It sets out the paths of justice for the benefit of the poverty and the poor, You can not design any model and algorithm for salving of thses challenges in the crashing currents and this will require a special awakening that this author I do not witness the occurrence of such an awakening Cartels, Trusts and Bourgeois are in the world.

redmarkets.com/what-is-a-red-market

Red Markets: (noun) any economic system or economy that trades primarily in human flesh or human beings. Buying and selling human bodies is...

https://en.wikipedia.org/wiki/Red_Marke

[The Rise of the Red Market – Foreign Policy](http://foreignpolicy.com/2011/05/30/the-rise-of-the-red-market/)

<https://foreignpolicy.com/2011/05/30/the-rise-of-the-red-market/>

May 30, 2011 – Argument. The Rise of the Red Market. How the best intentions of the medical community accidentally created an international organ-trafficking...

7 | Page

محمود صناعی پور: خبره میان رشته ای ویادگیرنده مادام العمر (9121195673 - 98 +) بیش از 40 رشته تخصصی مبتنی بر حکمرانی ، رهبری ، مدیریت ، بر اساس قواعد مدیریت دانش مفید UKRM

Mahmoud Saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man

, mahmoudsaneipour@gmail.com www.elmemofid.com

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

من می‌خواهم در این رساله ثابت کنم ، که قرمزی گیتی در حال حاضر منحصر به قرمزی و خونین بودن بازار های فعلی نیست و طبق مثلث (علیت تراکمی ، حقیقی بودن دیتا ، لزوم مفسر خبره) ، کلیه فرضیه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، فناوری و غیره که از مدل های غیر یقینی (Uncertain models) تبعیت میکند ، از حیث انتفاع (it is not fit for fit) ساقط شده و حتی بسیاری از ساختارهای به ظاهر مقوم سیاست های حکمرانی را از اثر انداخته است ، نظیر تفکیک قوا (Separation of powers) که با هم پوشانی های نهانی و آشکار در نظر و عمل ، از خواصی که منتسکبو بر شمرده است ، منتفی گشته و برای اصلاح امور فوق و مداوای درد ها و مصائب موجود جهان ، کارآمدی موثر خود را از دست داده است (موضوع عدول عملی و واقعی از تفکیک قوا در رساله جداگانه ای در حال انجام است - مولف) و این موضوع منحصر بیک کشور ، حزبی خاص ، قومی یا مذهبی بخصوص نمی باشد ، بستگی به دامنه رها شدگی ، بی عدالتی ، درآمدهای نامشروع ، خود بسندگی و نظایر اینها است که آنقدر شیوع و وسعت پیدا کرده که جزء با جریانهای فر انقلابی و با تقدیر های غیر مترقبه و یا غیر عادی قابل علاج نیست که هر کدام در جای خودش ، باعث تعجب ، شگفتی و تحیر ملل شده و میشود و نوع بیداری امروزه هم که عده ای از اندیشمندان و محققین جهان را مشغول کرده و قلم فرسائی میکنند ، مثال های یقینی از وقوع چنین حوادثی است ، دنبال مقصر صوری و انتزاع ذهنی و یا خود را به حاشیه زدن (Don't go around the bush) نیاندازید ، این بازی ها که در سیاست متداول شده است بیشتر حيله است تا اینکه نام تدبیر (policy) به آن اطلاق شود.

I want to prove this treatise that's redness is not only about red market in this present time, and according to triangle” accumulative causality, the truth of the data, the need for an expert interpreter “all Hypothesis about economy, policy, society, technology and so on, those it follows from Uncertain models it is not fit for fit at all and even From the effect many proof structures in government in the world like “Separation of powers” That hidden overlapping together in theory into practice (TIP) , of the properties listed by Montesquieu to cease to exist and And for the correction of the above affairs and for the pain of the present and the world , Has lost its effective efficiency (The issue of the practical and practical disadvantage of separation of powers , In a separate dissertation is underway - the author), and this subject is not unique into country , party , Ethnic or religious specially, depending on the extent of the abandonment, Injustice, Illegal Income, It's Self esteem of these things, Which has become so prevalent that except with transcendental revolutions , accidental events or unusual can not be cured that Each in its place, It surprises,

surprises and loses nations and the kind of awakening that is today, thinking of intellectuals and researchers busy in the world, it is the certain examples about this matter, so, do not look for the blame and subjectivist and don't go around the bush, these games, which are commonly used in politics, are more tricky, as long as the name of the term is policy to it.

گردونه زمین (carousel Earth) در حال حاضر با مصائب و آسیب های خاصی درگیر شده است که در طول تاریخ زیست بشری، هیچگاه دوچار چنین مصائب دردناکی با این حجم و وسعت نبوده است، جمعیتی را که کره زمین بر گزیده خود حمل میکند، تاکنون با این مقیاس وجود نداشته است، تعداد کل انسان هایی که تاکنون بر روی زمین زیست کرده اند، ۸۰ میلیارد نفر برآورد شده است، که حدود ده درصد آن، هم اکنون در کره زمین زیست میکنند، جمعیت مردم در سال ۱۰۰۰ میلادی حدود ۳۱۰ میلیون نفر بوده است (ویکی پدیا آزاد) که با رشد ۲۲ درصد در چین، ۱۷ درصد در هند، ۴.۶ درصد در آمریکا و... و کمترین آن یعنی ۱.۲ درصد در ایران به چنین حجمی رسیده است، اگر قرار باشد، سنجش و مقیاسی برای خیر و شر (کهن ترین واژگان اعتقادی در روی زمین در اقوام مختلف) ابداع شود، سنگینی گنهکاران تبه کار در پهنه زمین در قیاس با سنگینی جسمانی ۸۰ میلیارد انسان تا کنون به مثابه کوه هیمالیا در مقابل ارزن است، در موضوع خیر و شر که با مثلث "حق، باطل، مبارزه" همواره هم جوشی داشته است، غیر از ادیان معتبر و جهان شمول جهان که از خیر و شر سخن رانده و رسولانی برای تمیز این دو امر مهم مامور شده اند و یا فیلسوفانی که در پی کشف حقیقت بوده و در این رهگذر تحقیق، به ضرورت شناسی پرداخته و مثلث "حق، ضرورت، ایجاب" را بنا نهادند و از طرف غرب متهم به فیلسوفان ایده آیده آلیست (idealist) شدند، علم و دانش بشری که اکنون دایر مدار سیاست گذاری ها، اقتصاد، مدیریت و فناوری و سایر حوزه های نظری و عملی میباشد، مسکوت بوده و کاری به خیر و شر امور ندارند و این اصل اساسی را کنار گذاشتند.

The carousel earth has involved by especial susceptibility now that throughout human history, there has never been such painful misfortunes in this volume and scope, the crowd that the planet carries on its pollen, So far, this scale has not existed, the total number of people who have ever lived on Earth, 80 billion people estimated, about 10% of it is now living on Earth, the number of people have lived in year 1000 A.D. were 310 million people (wiki pedia free), Which is up 22 percent in China, 17% in india, 4.6 percent in the US,..... The lowest is 1.2 percent in Iran, it is arrived to this populaion (near 8 B), if it is supposed, get Measure for

good and evil (ancientest belief words inside the earth in different tribes), the heinous gunmen in the earth, so far, as the Himalayan Mountain is against millet, compared to the physical weight of 80 billion people, In the case of a "right, false, fight" they are always had fusion, other than the authentic religions and the world of the world or philosophers who sought to discover the truth, The triangle established the "right, necessity, affirmation" they were accused by philosophers of the idealistic idea of the West!, the human sciences are now the mainstream of policy making, economy, management and technology and other scopes of (T & S) are silent and There is no good thing and they do not care about this, and they abandoned this fundamental principle.

با ایجاد مکتب فرانکفورت (Frankfurt School) و ایده پوزیتویسم (The idea of positivism) که طرفداری سرمایه داری پیشرفته و اقتصادگرایی (economism) و اثبات گرایی (positivism) سرلوحه فعالیت های اعضای آن شده است و افرادی نظیر کارل پوپر (Karl Popper) و رودلف کارناب (Rudolph Karnab) که هستی جهان را در قالبهای حسی-ابطالی (Sensory-falsehood) و تحدید حدود (Delimitation) به حبس کشیدند ، بطوریکه کارناب در فصل دوم کتاب خود بنام فلسفه علم (Philosophy of Science) به صراحت میگوید " هستی شناسی و چرایی (Ontology and why) " را کنار بگذارید ، ما با فکت های فیزیکی (physical facts) سروکار داریم و واقعیت (reality) را بجای حقیقت و صدق (Truth) معنا میکند (مراجعه به تفاوت حقیقت و واقعیت در انتهای ای مقدمه - مولف) و به هر گونه مبانی و منطق و دست آورد های فلسفی و علمی بشر از سقراط تا کنون ، لگد زده است و این ذخیره تاریخی را به کنار گذاشته است و ساحت علم و دانش را از سطح استعلائی خود به عوام پرستی بسیطی کشانده و کفایت علمی را در حد محسوسات بسنده نموده است و ریاضیات را که از علوم مجرد است ، با آمارهای چنین بازارهای قرمز و احتمالات و طاس انداختن (Dice) از کفایت قطعی فروانداخته است و چه پول های گزافی بصورت دلار از مردم شرق گرفته اند و توقع اخذ حق توحش را هم داشتند! ، مولف میگوید: "حالا بکشید از این بساطت که راه انداختید و این آشوب را با بهای جان تحمّل کنید، و از آب خونین نیل در عصر فرعونى خود بنوشید" ، مثلث " هامان ، فرعون ، قارون " در تورات و قرآن ذکر شده است .

By creating of Frankfurt School and the idea of positivism that advocate of capitalism, economism and positivism that it is activities have been headed of them And people like that Karl Popper and Rudolph Karnab who are the world's imprisoned like falsehood-Sensory and Delimitation, as the Craneab says in his book "Philosophy of Science "explicitly:" leave aside ontology and why, We

10 | Page

محمود صانعی پور: خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر (9121195673 - 98 +) بیش از 40 رشته تخصصی مبتنی بر حکمرانی ، رهبری ، مدیریت ، بر اساس قواعد مدیریت دانش مفید UKRM

Mahmoud Saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man

, mahmoudsaneipour@gmail.com www.elmemofid.com

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

handle by physical facts” he means reality instead truth(References to the difference between the truth and the truth. End of this Introduction – Author) and he kicked to any basics and rationale, achievements of human,s sciences and philosophies from Socrates so far and it has left the historical reserve and the scope of his knowledge from his transcendental level has led to widespread popularism and the sufficiency of science is sufficiently sensible and Maths that incorporeal of science, with the statistics of such red markets and probabilities and dice, it has fallen viciously, what's the enormity money take from the Eastern people and they also had the right to take savagery right ! Author says:” Now, pull it out so much and stop this chaos at the expense of life and drink from the blood of Neal in your Pharaonic era”, The triangle "Haman, Pharaoh, Qaroon" is mentioned in Quran and Mosaic Law.

<https://rasekhoon.net/article/show/1294207/مسأله-ی-هامان-در-قرآن>

ژاکوب وینر (Jacob Weiner) میگوید: " آنگاه که بتوانید اندازه گیری کنید و در قالب عدد بیان کنید ، معرفت شما باز هم **ناکافی** است و رضایت بخش نیست " فصل ششم از کتاب روش در علوم اجتماعی از آندرو سایر (Andrew Sayer) ، معرفت موضوع به مثلث " علیت تراکمی ، حقیقی بودن آمار ، مفسر حقیقی " منوط میشود ، چون در عالم مجردات ، که با نسبیت و اعتبارات ذهنی و بازی ریاضیات رابطه ای ندارد و از استقلال برخوردار است ، شما باید به زبان علت و معلول آشنا باشید و نظام های محدود و بسته و دیوار کشیده شما ، نه در نظریه کفایت میکند و نه در تجربه به شما معرفت می بخشد و هرگونه الگوریتم سازی با مجردات نظیر ریاضی ، همان پیش فرض هائی است که در نتیجه ملاحظه میکنید که قصد آنرا داشتید ، مثل یک مشاور بازاریابی ، یا آینده نگر ، یا طبیبی که جراح است ، برای کسب پول ، از آمار ، اعداد ، و فروضی استفاده میکند که مشتری را قانع کرده و یک بازار پر رونق ، یک آینده نوید بخش ، و یک دست طلایی را گراف سازی نموده و نمایش دهد ، ریاضی و مهارت های اعتباری و شهرت افراد این قصد را منعکس میکند و حقه و حق کشی ، لباس صدق را رونمایی میکند ، چند صباحی میگذرد و کذب آن آشکار میشود که کار از کار گذشته است نه بازار پر رونقی بوده ، نه آینده نوید بخشی بوده و نه دست طلایی در کار بوده است ، این گونه مجردات ، آدم محدود العقل و محدود المعرفت را رسوا میکند ، چون همه اینها با مثلث " تکلیف ، حقوق ، صدق " کار نکردند و در کار مسئولیت خود صداقت نداشتند ، فقط دکان داری کردند و نقدینگی متعلق به مردم را چپاول کرده و به دلار تبدیل کرده اند.

Jacob Weiner said:” once you can measure it and express the number in the form, your knowledge is still **inadequate and unfair**”the sixth chapter in book of society method

from Andrew Sayer, The knowledge of the subject is to triangle” compact causality, true statistics, true interpreter “because in the world of singles, which does not relate to the relativity of subjective and mathematical mathematics and it has independence, you should know what cause and effect literature, and your limited systems, not enough in theory and it does not tell you in the experience and any algorithms with abbreviations like math, the same assumptions that you see as a result which you intend to do, you did not work with the "duties, rights, truth" triangle" at all, and They were not honest in their responsibility, Just shopping, liquidity has plundered from people and have changed to dollars.

در متن این رساله اقوال زیادی از دانشمندان، محققین و کاشفان به حق آورده شده و این فریختگان خبره در شرق و غرب، مدافع راستین در رد اثبات گرایی (positivism) و پایمال کردن حقوق انسانی و طبیعی انسان و کره زمین میباشند، در رساله خرچنگ (lobster) از این مولف آمده است که چگونه برای بدست آوردن ثروت بهر شکل و رویه، حتی داروهای سرطان را درست کرده و یا سهواً داروهائی تولید میکنند که مشتریان وفادار (Loyal customers) را برای بیمارستان ها و دستگاه قضاوت تشکیل دهند.

In the text of this treatise has a lot promises from scholars, researchers and discovers in truthfully and these cursed scribes in the East and west are the true defender is in rejection of positivism and trampled the right of people, nature and earth, In the crab treatise, from this author comes, how to get wealth in a better way, they even make carcinogens and or inadvertently produces drugs that created Loyal customers for hospitals and courts.

The truth behind the ‘foods that cause cancer’ headlines – Which? <https://t.co/GdxRiNHAFf> Yakov Koltovskoy (@KoltovskoyYakov) June 30, 2018-

<https://af.sputniknews.com/.../201807082470826-کدام-دارو-ها-ایجاد->

در دو مقاله سوغات غرب (West Souvenirs) از این مولف (www.elmefofid.com) موارد زیادی از این دست آمده است، که یکی از آنها سوء استفاده از مهندسی ژنتیک (Genetic Engineering) است، کدو تنبل یک کیلوئی را تبدیل کردند به کدوتنبل 850 کیلوئی، شاید برای مسابقه و رکورد شکنی در بازار های مگاره و حیرت مردم از این جنّه بزرگ که با جرثقیل جابجا میشود، یک تفریح تلقی شود ولی خوردن آنرا نمی تواند تجویز کرد، همین طور گاوی شیر ده ای را که سه تنی و بیشتر از این دانش تولید میکنند، که بجای 50 لیتر شیر، 150 لیتر شیر بدهد و گوشت بدنش سه برابر و بیشتر شود و سایر تراریختگی هائی که در کشاورزی و صنایع مربوطه متداول شده است که زندگی طبیعی انسان ها تهدید جدی میکند و به طبیعت لطمه میزند، این گونه آب در شیر کردن و این میوه ها و هندوانه های گنده تولید کردن، از طریق جریان های تکوینی، به سیل، سونامی، نابود شدن باغات و غیره تبدیل میشود که در سال های اخیر روبرو افزایش گذاشته است، کسی نمی تواند با حق کشی

وانسان کشی و طبیعت کشی از چنگال عدل الهی فرار کند (داستان های اینگونه عدل گستری در قرآن و ادیان الهی آمده است ، وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ - آیه 54 ، سوره آل عمران).

In the two articles of West Souvenirs from this author (www.elmemofid.com) there are a lot of things to do; one of them is Abuse of genetic engineering.....

تکنولوژی با تمام طمطراق خودش که خیل نوآوران و نوپایان (Start-ups) را بدنبال خود میکشاند با نوع استفاده و زیاده خواهی و کسب منافع به هر طریق ممکن ، قسمت زیادی از لایه اوزن (ozone layer) را پاره کرده و از خاصیت بازدارندگی پرتوهای فوق بنفش (rays of Fra-violet) در مانده است و بدهکاری بیش از 70 تریلیون دلار کشوری صنعتی بدهکار ، امکان قبول هزینه ترمیم آنرا نمی دهد و پیمان آب و هوایی پاریس در پرسه زدن بسر میبرد ، ولی خورشید به کار ذاتی و موثر خود مشغول است و از تابش خود به زمین دریغی ندارد ، نحوه استفاده مربوط به ابداعات است که خداوند متعال با حکم مقام خلیفة اللہی ، انسان را برای تسخیر و استفاده بهینه از این منابع و سایر منابع سرشار خدادادی تکلیف کرده است و اگر در استفاده از این منابع تخطی صورت گیرد ، تقصیر خورشید نیست ، لذا تابش این خورشید ، کره زمین را گرم کرده ، یخ اقطاب را ذوب کرده و آب های ذوب شده سواحل کشور های درحاشیه اقیانوس را از آن خودش میکند (بدون جنگ و خون ریزی!) و بخارات متصاعد شده از پهنه وسیع اقیانوس ها و تغییراتی که بموجب علت تراکمی (Cumulative causation) منجر به تغییر اکوسیستم ها و آب و هوایی زمین شده که در گزارشات متعددی مورد تاکید قرار گرفته که به دلایل مختلف، جهان آمادگی کافی برای مقابله با این تغییرات به ویژه مسئله گرم شدن زمین را ندارد، جریان مقدر را به پیش میبرد، آیا هنوز فرصت هایی باقی مانده است!؟

Technology with all its grandiloquence that draws innovators and startup for themselves, with type of use and excitement and benefits in any way possible, a large part of the ozone layer was torn and the deterrent is helpless rays of Fra-violet, and more than 70 trillion dollars worth of debt countries, it is not possible to accept the cost of repairing it, The weather Paris agreement is roaming, but the sun is busy with its intrinsic and effective work and it does not hurt his radiation, how about suing of sun depends to innovations that Allah Almighty with the decree of the Khalifa Allah which has given it to human can use from these resources and other sources of God-given wealth optimally ,

he.srbiau.ac.ir/article_8959_bb9010bc043fcb0825a5baa9669a8cd

من در این رساله و سایر رسالاتی که در دست تهیه دارم ، با کمک مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) به اصلاح ، ریزش ، رویش و ابداع مثلث های دانش مفید پرداختم که برای آموزش در مراکز علمی ، رشته های تحصیلی دانش مفید و کارکرد های فراوان اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ضروری است ، مقدرات بر اساس علیت تراکمی (Caustic causality) ، مثلث " تکوینی ، تشریحی و ابداعی " عمل میکنند ، تصادفی در کار نیست ، سرنوشت های محتوم را رقم می زنند ، برای اینکه جهان هستی از کلان تا خرد با هوشمندی تام و کامل (perfectly) بکار خود مشغول است (رساله هوشمندی عالم از این مولف) ، هر محصولی بر حسب سنخیت بین علت و معلول به ذات خود رجعت میکند و در نهایت از عدل و تعادل هستی داستان راستان خلق میکند ، این ها قوانین هستی هستند ، نه اراجیفی (False rumours) که مکتب اثبات گرائی بنا نهاده است که از بیخ و بن غلط اندر غلط است و پنجره آن برای هر کس قابل گشایش نیست .

I am writing in this treatise and other references that I have in mind, by helping of UKRM, I pay attention to reform, downflow, grow and invention many triangles of useful knowledge, which is necessary for teaching in universities as faculty of Education about UKRM and lot of functional activities in social, economic, politic and culral courses, destinies on causal causality as triangle”genesis, religious, innovation “will be done, there is no accident at work, the probable time made/figured out my fate/destiny ,because the universe is full of intelligence, from macro to wisdom(Treatise on the wisdom of the universe from this author),.....

ما با قوانین ثبت و مستمر حاکی از حق و حقیقت روبرو هستیم (درضمیمه این مقدمه آمده است) ، و این با واقعیت (Reality)، هر محصولی یک واقعیت شرّ و یا خیر است که تصدیق (Acknowledgment) شود و سنخیت ذاتی خود را به نفع بشر و طبیعت به محصول منتقل کند ، این ها قانون ، قاعده و مقررات است که به آگوریتیم ها ، مدل ها و رویه ها در می آید و مثلث های حقیقی از این شالوده پاک و سرشت حق ، خلق میشود ، ما در این رساله میگوئیم ، که روح انسان که نفخه ای (whiff) از روح الهی است و بقای دائمی دارد ، درک خاصی از حق و حقیقت دارد و کذب شناس است و برای همین است ، هر کس می داند که چکاره است؟ (Everyone knows that it is who having) (occupation?) با هر لباسی که ظاهر شود در نزد حکیم و عارف شناخته شده است (چنانچه تولستوی گفت: آنکه اول پیش ما می آید به لباسش ارزیابی میکنیم و وقتی میرود ، به سخنانش- مولف) .

مخالفت افراد با یکدیگر ، بمعنی مخالفت با اصل و اساس و قوانین حق و حقیقت نیست ، این امری است مجرد که با جرثومه فساد میل اشتراک ، اتصال و ازدواج ندارد ، به همان چکاره بودن آنها مربوط است ،

اگر شما این قاعده را یاد بگیرید ، تا آخر عمر تضمین میشوید وگر نه از مشتریان وفادار دستگاه قضائی ، بیمارستان ها خواهید شد، این درسی است که باید از کودکی به فرزندان آموخت ، به پدر و مادرها آموخت و به معلمین ذیربط آموخت ، دانش مفید گوهر نابی است که حکمت را به شما می آموزد ، که نه ظلم کنی و با ظالم هم دست شوی و نه ظلم ببینی ، مثلی که برای آموزش میسازی ، مثلی از حق و حقیقت نیاندازند که بعداً در Z و Y ، X است ، برای همین است که عصر ما بیداری حق و حقیقت است ، به گردن دادگاه معلوم میشود که چکاره هستند! ، دچار بیمارستان میشوند و ایست قلبی میگیرند و هکذا ، این مثلث ها از زمان سقراط تا کنون ترسیم شده است و بنا به تعریف علم تصدیق پیدا کرده است.

فقر 70 در صد مردم جهان ربطی به قضا و قدر ندارد ، با حکمرانی ناعادلانه ارتباط دارد که میداند چکاره است ، مثلث ساز است ، با کسینوس ، سینوس ، تانژانت و کوتانژانت ، به خورد ملت میدهد ، بیچاره ریاضی و مثلثات بچه روزی افتاده است ، همانطور که دانش هسته ای (Nuclear knowledge) ، توسط اوپنهایمر آمریکائی (American Julius Robert Oppenheimer) از انیشتن دزدیده شد و در آمریکا به دو بمب هستی بزرگ و کوچک برای نابودی دوشهر هیروشیما و کانازاکی ژاپن بکار رفت که هنوز زخم ناشی از حمله اتمی پایان نیافته است ، انیشتن با افسوس تمام گفت : کاش من یک کفاش بودم – مولف ، اینست مرز انسانیت وحشی گری ، وحشی های مدرنیسم ، انسان کشی میکنند و نژاد سرخ ، زرد و سیاه را (حتی سفیدرا ، میکشند و صهیونیسم جهانی با قانون تلمود (Talmud, s law) هر گونه حق بردگی ، تجاوزات ناموسی ، سرزمینی ، و قتل و غارت را برای خودش مجاز کرده است .

قرن 20 و 21 و بالاخص روزگار ما ، که شاهد یمن ، فلسطین ، سوریه ، ونزوئلا ، سودان ، فرانسه ، انگستان و غیره هستیم و به تدریج به این لیست مقدر اضافه خواهد شد ! از این مثلث ها بدبختی گرفته است ، آمریکا داعش را با همین تجزیه و تحلیل های خلق میکند و چون به حق و حقیقت فهم ندارد و جزء حمقا (foolishes) است ، تمام پل های پشت سرش را تخریب میکند و حتی فرصت فرار و پیدا کردن پناگاهی نیست ، بدبخت افراد کوتاه فهمی و ظالمی مثل صدام و قذافی که پناهگاه هم نیافتند ، توی اولین لوله و مجرای فاضلابی که در جوار کاخ اشان بوده است پناه بردند و مشاهده کنندگان ، آنها لو (betray) دادند ، کارناب که هیچ چیز از این معارف را نمی فهمد ، سخنرانی میکند و به دماغش باد (Nose breeze) می افکند و میگوید " این چراها را رها کنید ، این گونه هستی شناسی بدرد ما نمی خورد- مولف) ، آنچه فیلسوفان حقیقت خواه آنرا ضروری دانستند ، و سالها مثلث "سلب ، ایجاب و حقوق" را خالق کردند ، چون از سوی جمهور توحش فهم نشد ، نتیجه اش همین است که مشاهده میکنید ، شب دراز است ، صبح که طلوع کند ، بقیه اش را میبینی! .

از مراتب حسّیّ ، قوانین مکانیک و فیزیک که ابزاری برای تحقق حقوق ملت ها است ، اخلاق منبعث نمی شود ، اخلاق حرفه ای ، اخلاق علمی ، اخلاق مثلثی ، اخلاق نرم افزاری وسخت افزاری ، یک حرف بی ربط است ، املاهای غلط است ، در دانش مفید محلی جایگاهی ندارد ، اندیشمند باید از توحش آزاد گردد ، درگیر جبر وتفویض بی مورد نشود ، طبیعت ومذهب را تیکه تیکه نکند وبه تفکیک مذاهب نپردازد ، خیلی از آیات الهی ، انسان را مورد خطاب میدهد (ایها الانسان ، ایهاالانسان و...ندا میدهد) حق را محترم میشمارد وخداوند متعال خود را صاحب حق وضامن برقراری آن اعلام فرموده است " آگاه باشید که انسان جایز الخطایا است ، فراموشکار است ، اهل غفلت است ، ولی راه رهایی از این دخمه های مرگ بار وجود دارد ، هی نگوئید شمارا در سه دقیقه میلیونر میکنیم ، چند ساعته میلیاردر میکنیم ، چند هفته ای تری یونر میکنیم واز این موشک ها در شبکه های اجتماعی پرتاب میکنید، شما که مشتری لاینفک و وفادار هستید ، حالا میخواهید شریک جرم درست کنید ویا عده ای ساده لوح را قربانی کنید نگاه کنید به مردم دنیا چگونه بیدار شده وفوج فوج راهی میدان حق علیه باطل هستند، عبرت بگیرید (اذا جاء نصرالله بالفتح ورایت الانسان یدخلون فی دین الله افواجا ...) بعد نگوئید ما خواب بودیم بیدار شوید که عصر بیداری وفقح القریب ووصول کلید طلائی نزدیک است .

Top 10 Differences between Truth and Reality

Published on May 28, 2015 •

[Jack Nargundkar](#)

Following

Senior B2B/B2G Marketing & Communications Executive

[39 articles](#)

Like34 •

Comment14 •

Share •

16 | Page

محمود صناعی پور: خبره میان رشته ای ویادگیرنده مادام العمر (9121195673 - 98 +) بیش از 40 رشته تخصصی مبتنی بر حکمرانی ، رهبری ، مدیریت ، بر اساس قواعد مدیریت دانش مفید UKRM

Mahmoud Saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man

, mahmoudsaneipour@gmail.com www.elmemofid.com

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

The interchangeable use of “truth” for “reality” and vice versa is pretty widespread. In fact, way back on November 27, 2010 I took to twitter to highlight what I believed was a key distinction:

TMT: There is a difference between reality and truth—the former can sometimes have shades of gray, the latter is always black and white. #in

A lack of knowledge of the truth does not belie its existence or confer it a nebulous status. In their personal and professional lives, ordinary people often conflate reality with truth. However, those pursuing a spiritual path and seeking the “eternal truth” are exempt from my discussion, since they tend to live in a reality that mere mortals will find hard to comprehend.

“*Keeping it real*,” is a phrase commonly used, especially among younger generations, who seem to favor “real” over “truth.” It’s almost like they want to avoid the truth, the whole truth and nothing but the truth... so they’d rather just keep it real without help from any higher power? But I kid the kids, only to make a point. There are indeed subtle differences between reality and truth; inasmuch that the former exists but only the latter can confirm its existence in any given circumstance.

The great scientist, Albert Einstein, had observed:

Reality is merely an illusion, albeit a very persistent one.

There could be no more glaring example of the increasing dichotomy between reality and the truth, then in the proliferation of “reality shows” on television in the past decade. These shows conflate their heavily edited versions of reality with the truth and seemingly present it as such. It’s almost like these shows have gauged that their audience wittingly accepts their version of reality as the truth.

So where does reality end and the truth begin? Or, more accurately, how do we uncover the truth that is embedded in reality? Clearly the truth is always

omnipresent in reality, but on occasion it just takes time to surface. It's why the father of our nation, George Washington, had intoned:

Truth will ultimately prevail where there are pains taken to bring it to light.

Knowing how illusive reality can be and how challenging the search for the truth, even in a non-spiritual context, can become, let me attempt to shed some light on this dichotomy with my very own, "Top 10 Differences between Truth and Reality:"

1. Truth is absolute, Reality is cognitive.

Senator Daniel Patrick Moynihan had famously said:

Everyone is entitled to his own opinion, but not to his own facts.

If we simply substitute "reality" for opinion and "truth" for facts, his words of wisdom are equally valid in our dichotomy. While different people may perceive the reality of a given situation differently, there is always one, and only one, version of the truth for that situation.

2. Truth hurts Reality bites.

The ecosystem that surrounds the truth in any given situation is the reality of that situation as perceived by its individual participants. In a business situation, the truth might be as stark as the sudden cancelation of a critical multimillion-dollar order. However, reality bites various functional groups in the company's ecosystem in different ways, even as the truth hurts the company's revenue stream.

3. Truth is singular, Reality is manifold.

In our company example above, the reality of the lost order is perceived differently by the finance guy worried about cash flow, by the purchasing guy dealing with

inventory, by the manufacturing guy saddled with an idle assembly line, by the sales guy not making his numbers, etc.

4. Truth is objective, Reality is subjective.

The truth can be pleasant or it can be bitter. Regardless of outcome, the truth is determinative – it has finality to it. It is what it is... unlike reality, which can be interpreted in different ways by the various people it affects. The CEO of the business, in our earlier example, might see the sudden cancelation of a big order as a sign to undertake a major overhaul of his company's operations.

5. Truth is permanent, Reality is ephemeral.

Again, going back to the company that suffered a sudden cancelation of a big order, once the CEO acts on the truth, the subjective reality of the company's various functional groups begins to fade.

6. Truth emancipates, Reality constrains.

There isn't any more complicated example of the truth setting one free than by coming clean when a spouse has had an extramarital affair... always more easily said than done. The reality of that entire situation can constrain one or more participants from voluntarily divulging the truth, which would be liberating yet very difficult to fulfill.

7. Truth redeems, Reality informs.

The best that reality, viewed from anyone's perspective in any given situation, can do is inform or misinform the participants within the ecosystem. Only the truth can offer redemption, whether it is the spouse getting out of a bad marriage or the CEO steering a company out of a bad situation.

8. Truth comes from the heart, Reality follows from the head.

Very often the truth remains suppressed because analytical and logical thinking suggests that all affected players within the ecosystem would be better off, at least in the near term, if it were so. Both, the cheating spouse and the worried CEO know that their respective realities indicate that the can could be kicked down the road. But, within their hearts they know the truth – postponing the inevitable sometimes creates a snowball effect. The reality is you have to know when to listen to your heart.

9. Truth requires courage, Reality reflects convenience.

The cheating spouse and the worried CEO listening to their hearts might seem ironic, but facing the truth requires courage. More often than not, the convenient thing to do is the cowardly thing to do.

10. Truth is always real, Reality is not always true.

At the end of the day, the truth will prevail – it is the ultimate and only reality. There is no second-guessing the truth like we can do with reality. What is real to you maybe unreal to somebody else? In fact, as Einstein said, “reality is merely an illusion...” until it reveals the truth! The finality of truth can be summed up in this quotation from *The Bhagavad Gita*: What is not real never was and never will be. What is real always was and cannot be destroyed

n the name of Allah, the beneficent the merciful

رساله شصت و ششم از محمود صانعی پور (برهان): خبره میان رشته ای ویادگیرنده مادام العمر (LLL)

ابداع کننده مدل **UKRM** در جهان

The discourse 66 from mahmoud saneipour (reasonable): interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man

در نظام علیت تراکمی ، ما به افعال واسط نیاز داریم، تشخیص این افعال برهانی است و از روش هائی بهره مند میشود که بخشی از آن در این رساله است

The discourse subject: in the condensed causal system, we need to intermediary actions, recognizing these actions are reasonable and benefit from the ways that is part of it in this discourse

1. گزارشات جمعی (Collective Reports) از یک مرکز واحد در نظام کشوری به عنوان "قاعده تنظیم کننده نظام" (the rule of Regulator system) ضروری است
2. روش شناسی از نوع حکمتی- فلسفی ، ما را به تنظیم کننده و زنجیره محکم و حلقه های مفقوده نظام میرساند که الگو دیگری از برکات انقلاب است (State-philosophical and wisdom methodology)
3. بر اساس مدل قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM)، منظورمان از تخصص در امر مدیریت چیست و به چه آمیخته هائی از آموزه های اساسی نیاز دارد (useful knowledge rules management)
4. آشنایی با مبانی شی گزایی در سیستم گذاری در غرب و اشکالات آن (Introduction to the basics of object- in the west and its problems)
5. شکنندگی امروز غرب در حوادث تکوینی ربطی به ایران هر اسی ندارد ، غرب باید از درون خنثی شده خود از حکمت و فلسفه حقیقت یاب هراسناک باشد (The fragility of the West today It has nothing to do with Iran in genesis events ,the west must afraid from inner of it-self)
6. هر علمی نباید در قالب های رویکردی خود بسندگی اختیار کند و خود را در راس علوم تلقی کند ، مدیریت جهانی حکم میکند که از همه مفیدیت های تجربی ، حکیمانه ، فلسفه حقیقت یاب ، آزمون های تأیید شده جهان بشریت بهره مندی حاصل شود. (every science shouldn't know Self-sufficiency approach and higher on other sciences)

1. گزارشات جمعی (Collective Reports) از یک مرکز واحد در نظام کشوری به عنوان "قاعده تنظیم کننده نظام" (the rule of Regulator system) ضروری است

وحدت و کثرت وجود در حکمت متعالیه (فلسفه اولی) و در مراتب اشراقی در عرفان و بخصوص در عینیت های خارجی آن ، یک بحث تطبیقی و برهانی (Adaptive and reasonable) است و آمیزه ای از مفاهیم فلسفه و عرفان بوده و در حال حاضر ، با توجه به قاعده شاخص های مناط (of basis indices)

(the rule)، ما به گزارشات جمعی (Collective Reports) از یک مرکز واحد در نظام کشوری نیاز داریم این قاعده ما را به تنظیم کلیه قوانین، مقررات، آئین نامه ها، دستور العمل ها، نظامنامه ها، کارکردهای منظم و وحدت گونه در سطح کلیه قوا و زیر بخش های در حکمرانی و اتصال آنها به به بخش مردمی و کلیه نهادهای دولتی و خصوصی به عنوان "قاعده تنظیم کننده نظام" (the rule of Regulator system) حکم میکند.

امروزه مدل های کارت متوازن کاپلان و نورتن (BSC) یا تریز (Creanovatology TRIZical) که در زمان ابداع و بکار گیری آنها در بعضی سازمان های موفق بود و از خلاقیت های مهم در باب مدیریت در حل مسائل به شمار میرفت، با توجه به شکست پی در پی در نظام سرمایه داری غرب (رجوع شود به 300 مقاله و 70 رساله از این ابداع کننده)، دلایلی وجود دارد که دیگر کارائی مورد نظر را برای نظام حکمرانی از جنس احکام اسلامی و قرآنی نداشته و حقایقی که فهم آنها برهانی بوده و براهین آن از حکمت و فلسفه اولی و بسیاری فرامین و احکام عدالت گستر و مورد انتظار جوامع بشری سرچشمه میگیرد، حتی برای غرب هم پاسخ گو نمی باشد (به رساله هشتم من مراجعه شود).

احکام غربی از کل حقایقی که در طول تاریخ حکمت و فلسفه ارسطویی، کانتی و دکارتی غیره و بطور کلی از فلسفه حقیقت یاب و ضرورت شناس و هزاران احکام که کل نظام حکمرانی را مورد صدق و اثرات مفیدیت عام قرار میدهد، غفلت کرده و به جزئیات و ادامه شکست کار و افعال واسط و منبعث از جزئیات علوم حسی - ابطالی (Sensory Sciences - Falsification) ادامه داده و بدون توجه به دلایل ابطال بعضی روش ها به آن پرداخته است، البته این شکنندگی نظام غربی (The fragility of the Western system) برای اهل دانش و بخصوص محققین حقیقت یاب و جستجوگران عدالت و کسانی که در این نظام سلطه به سر میبرند هستند و شاهد تخریب و اهنجاری های آن هستند امری واضح و کاملاً مبرهن بوده و انتظار علاج و رهایی از این وضعیت به ظاهر فریبنده و در باطن بسیار مهلک و مخرب روح و جسم انسان ها است را طلب میکنند.

بنابراین ادبیات و زبان گزارش دهی کسب و کار محسوس تحت عنوان "eXtensible Business Reporting Language is a Reporting Language software standard that was developed to improve the way in which financial data is communicated, making it easier to compile and share this data" و سایر شقوق اقتصادی و غیره در دستور کار حوزه غربی قرار گرفته است، اگر چه در تجمیع و تمرکز گزارش دهی نظام مند، ابداع موثری به نظر میرسد ولی، بدلیل فقدان های بینادین در قواعد مدیریت دانش مفید (ukrm) یک تله دیگر برای نظام های تابع سرمایه داری محسوب شده و باطل میباشد و ما باید نظیر بسیاری از علوم و فنون که بعلت برکات منبعث شده از تحریم، خودمان مبدع الگوها و پارادایم های مفیدی شده ایم در این مورد هم، راه آزادی و استقلال خودمان را بر مراحل کشف و شهود و بدور از علوم حسی- ابطالی غرب دنبال کنیم.

از قدیم گفته اند جوینده ، یابنده است ، من بکرّات این معجزه را تجربه کرده ام و نهایتاً می خواهم بگویم که جوینده هدف دار به هدف خود میرسد ، در هدف خود به مرحله کشف و شهود دست می یابد ، ابداع میکند ، اختراع میکند ، و به مردم دنیا کمک میکند ویاری میرساند .

سخن حکیمانه فوق را در رساله 67 ام (بعد از 300 مقاله ای که ارائه دادم) با براهین کافی باز گو کرده و به اثبات میرسانم تا جوانان و حتی سالخورده های امروز و فردای این دنیا ، از این سخن پند گرفته و از رنج و سختی جویندگی و تحقیق و یادگیری و کشف و شهود ، هراسی بدل راه ندهند ، خداوند متعال ، این گونه رنج ها را در کاوش های حقیقت و تبلور جنبه های حق و حق خواهی برای بشر نیازمند به کمک و پیشرفت ، تبدیل به لذت زندگی و شوق محقق و دوران عشق و رزی او در رسیدن به هدف یا اهداف ایده های بشر دوستانه او قرارداد داده است ، بطوریکه نه اینکه احساس خستگی و رنج نمی کند ، بلکه تبدیل به قهرمانی میشود که خستگی را از پای درمیآورد، و کوشش کردن و کشف و شهود کردن ، آئین و روش و کارکردهای روزانه وی میگردد.

هر چیزی که بطور عادلانه ، منطقی و عقلانی حل و فصل نشود و صرفاً برای پول درآوردن و یا طرح حیلی برای جیب خالی مردم و چپاول گری باشد و برای مردم ایجاد زحمت ، مصیبت ، معضلات و مشکلات نماید ، بر اساس حکمتی که ما آموختیم ، آینده چنین افراد سودجو و سوداگر و مجرم ، جزء گرفتاری بدست جریان و حلقه های عدالت و دادستانی عدل الهی نصیبی ندارند ، برای اینکه ، خداوند متعال حقوق مردم را بر یک عبادت و تشکر قرارداد داده و گناه حق کشی و حق خوری مردم را نبخشیده و تا این بدهی از چپاول گر به صاحب حق اداء نشود ، این مجرم در زندان دنیا و در جهنم آخرت خواهد بود

بعضی از مردم گمان می کنند که عبادت تنها به نماز خواندن و روزه گرفتن بوده و پاره ای از اینان بحدی در غفلت و نادانی و خودخواهی فرو رفته اند که اگر در برابر دیدگانشان مردم از گرسنگی جان بدهند، هیچ متاثر نمی شوند اگر چه مطلع شوند که در این دنیای و انفسا، عده ای هستند که برای گرسنگی ، کوکی گل یا فضله گاو می خورند و سنگ صبوری بر شکم میندند، عابدترین مردم آن کسی است که نسبت به مردم خیرخواه تر از دیگران و نسبت به تمام مسلمین سلیم القلب تر و باصفا تر باشد بنابراین، اگر مرجع حاجات مردم نیازمند باشید ، خیلی خوشحال باشید که خدا شما را دوست می دارد و چنانچه در خانه یا دفتر کارتان به روی مردم بسته شد و مردم به شما مراجعه نکردند یا نتوانستند مراجعه کنند، بدانید که از رحمت خدا محروم شده اید و باید به جای خوشحالی، ناراحت و اندوهگین شوید.

حوادث 41 سال انقلاب ، چه از ناحیه تحریم ها و چه از ناحیه اراده خداوند متعال و حوادثی که علی الظاهر خُرد کننده نظام بوده ، ولی همگی آنها با مقاومت و ایستادگی ، مجاهدت ها ، شهادت ها ، خلاقیت ها و غیره و با اتکال به خداوند متعال ، نظام جمهوری اسلامی را در جبهه های مختلف پیروز نموده است و هر بخشی از نظام که مبتلابه حادثه ای تکوینی اراده خداوند برای اعتلاء و تقویت نظام اسلامی ایران بوده ، روندی برخلاف دشمنان داخلی و خارجی پیدا کرده و خود باعث تکوین راهکارهای نظارت و کنترل و استفاده بهینه از منابع و نیروی انسانی نظام گردیده است ، تمام پیشرفت های نظام نظیر تقویت تسلیحات نظامی و موشکی ، توسعه علوم و فنون نانو، سلول های بنیادین ، ژنتیک ، نظام پزشکی و دارویی ، رهائی از تک اقتصادی از نفت ، رونق تولید و افتتاح جبهه جدید فتوحات دفاعی ، مبارزه چشم گیر با بیماری های مسری و اپیدمیک ، توسعه دانشگاه ها و صدها زیر ساخت ، ژرف ساخت و روساخت های فیزیکی و معنوی از روند های تکوینی به خواست خداوند مهربان بوده است که شهود آنها مستلزم ، بصیرت است که در امت وسط از مردم ایران واقع شده است.

نکته برجسته مطالب من در تمام نوشته هایم اینست که ما از برکت بدون تردید حوادثی که در بادی امر تلخ و ناگوار بوده ، روش ها و الگوها و شرایط مثنی و شیوه خود را بطور قهری کشف و شهود کرده و برای رفع بحران ها که گاهی از ایران هراسی دشمن بوده و گاهی از ضربات متنوع و مکرر دشمنان داخلی بوده ، گاهی با ممانشات بوده ، گاهی خواب آلودگی و سرسپردگی و سرگرمی های غیر ضرور بوده و هکذا ، با تشر دوست و عتاب رحمان و پرخاش جبروتی صاحب جود برای ساخت و سوز و زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) لباس رزم بتن آراسته ایم ، از زن و مرد و جبهه در جوار جبهه و در اطراف کعبه وجود و حلول طلیعه برکات خدای رحمان و بعد از این چنین خواهد بود که پاکی بیشتری خلق شده و مهر بیشتری در دل ها افتاده است و صدها جبهه دیگر ، کیان نظام بیک ساختمان مقاوم در برابر صهیونیسم و شیطان بزرگ و هم پیمانان آنان مبدل ساخته و در این روند سلب و ایجاب الهی ، هر حادثه ای به ریزش دشمن داخلی و خارجی می انجامد و به رویش و خلق جدیدی در رشد و توسعه جمهوری اسلامی ایران خواهد پرداخت ، اگر چه من در مدل ابداعی خود که بالغ بر 500 هزار صفحه نگارش است ، به بقیه جبهه ها اشاره کرده ام ولی جوینده یابنده ، کشف و شهود کننده و کمر همت به کمر بسته و ابزار دفاع آماده کرده و ده ها خدمت باورنکردنی دیگر که در مقاصد خدائی برای تحقق اهداف الهی انقلاب اسلامی مقدر شده است ، مضبوط است و در این روند ، بر ایران هراسی دشمن افزوده شده

وکار از نصایع گذشته (لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)سوره کافران) ، و باید بدینسان زمینه وبستر برای ظهور آقا آماده شود.

2. روش شناسی از نوع حکمتی- فلسفی ، ما را به تنظیم کننده ورنجیره محکم و حلقه های مفقوده نظام میرساند که الگو دیگری از برکات انقلاب است

در دینامیسم (Dynamism) و مکانیسم (mechanism) جهان هستی (رجوع به رساله 67 من) ، بدون روش شناسی از مشی حکمت متعالیه و فلسفه اولی ، درکی ناقص و درهم برهم داریم ، چون منحصر کردن نیروها و اثر آن در محدوده کره زمین و بی توجهی به اثرات هستی در بقا و دوام این کره در موضوع "انسان" که خلیفه خدا در روی زمین است (منظور کسانی که لایق مقام خلیفه اللهی ذات حق هستند) و نیز ترکیب و ساختمان هستی روی زمین ، توصیف دقیق عملکرد مکانسیم یا مراحل مختلف یک کنش یا واکنش های انسان ، طبیعت و سایر موجودات در آن ، رخدادها ، پدیده ها ، ساز و کارها در این ساختمان قابل زیست را درک میکنند ، منفصل از تأثیرات کل هستی نیست و هر کس ، هر گروه و هر نظام حکومتی که فاقد این فهم و درک باشد ، فاقد عقل زیستی برای انسان و سایر موجودیت کره زمین است.

من سرگذشت همه فیلسوفان راه حق و حقیقت جو و خوش نام ، حتی فیلسوفان بدکردار را مطالعه نمودم (که با **مرض سفلیس و قانقاریا** به درک واصل شدند- قانقاریا ، یا **سیاه‌مردگی فساد و عفونتی** است که در قسمتی از ماهیچه یا استخوان پیدا شود و آن را سیاه و فاسد کند، بطوریکه خانواده بیمار وی را از خانه بیرون می اندازند ، **چون مسری است**) و دریافتم که مکتشفین ، مخترعین ، دانشمندان و نظایر اینها را که در حل این بیماری ها موفق شدند با یک فطرت خدا پرستی و نوع دوستی که در خمیره و نفس آنها بوده و همین ، خصیصه بوده که آنها موفق و سرآمد کرده است، اینان دریافتند، امور با برهان علیت (The causality argument) در مسیر کشف و شهود (Revelation) قرار داده است و دلالت (implication) یا واسطه بین دال و مدلول را کشف و فهم کردند ، بطوریکه بدون این واسطه ، هیچ علتی به معلول مفید تبدیل نمی شود ، در این مورد ، هر امری بطور تصادفی نیست و اصلاً ما تصادف نداریم ، علیت (causality) یا علیت تراکمی (The causality of congestion) از گونار میردال (Gunner Myrdal) بیک یا چند واسطه نیاز دارد، در علت تامه که واسطه آن توسط جوهر های عقلانی و از جانب خداوند بصورت درمیاید ، نقش انسان را بگونه علیتی از جنس علیت تراکمی نشان داده و با واسطه است و انسان نقش اساسی در تشخیص این واسطه ها و استفاده از این اتصالات در تبدیل علت به معلول مفید خواهد پیدا میکند (قابل توجه شرکت های دانش بینان و استارت آپ ها (Startups) ، مفیدیت معلول یا اثر یا نتیجه که انسان در آن نقش دارد ، جزء دروس UKRM از ابداعات این محقق است.

من نام این واسطه را فعل (action) مینامم و منظور از فعال شدن (activate) ، که به بیانی دیگر مربوط به توحید افعالی (unique actionable) یا نظام علیت (The causal system) است که بحث مفصل آن در دانشنامه بزرگ قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM) آمده و چند تصویر از این جریان ، پیوست این رساله است ، یعنی محقق باید تامل کند که در نظام علیت ، ما چه افعال و کارکرد (Function) اجتماعی را می خواهیم حل کنیم که خواست و اراده خداوند متعال در آن مقدر است و در حقیقت: «لا مُؤَيَّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ (هیچ موجودی تأثیر مستقل ندارد جز خداوند- اصول کافی، جلد 1، باب معرفة الامام...، حدیث 7، صفحه 183.)، در غیر صورت تلاش گر برای حل مسائل اجتماعی ایده ای ندارد یعنی بر حسب و ضرورت شناسی اسباب و وسیله افعالی توحیدی را نمی شناسند که بحلّ مسئله ویا رفع بحران نائل شوند و تلاش های شبانه روزی محققین و دانشمندان دنیا برای زدودن بحرانی نظیر جریان بازار قرمز (red market) است که فقط در جهت حداکثر کردن منافع شخصی سوداگرانه است و هیچگاه به آرزوی بازار اقیانوس آبی (blue ocean market) دست نخواهند یافت ، چون ایده آنان نسبت به مطالبات حقه مردم خنثی (Neutral) است ولذا بهینه پاراتو (The optimal Pareto) به عنوان یک شیوه معروف، برای معاملات، باطل قطعی است و بلکه با شیوه های رفتاری و افعالی غیر توحیدی ، جنگ تجاری (war trading) شدت میگیرد. [Jump to ۳ بهینه پارتو ضعیف و قوی - بهینه پارتو ضعیف و قوی \[ویرایش\]. یک پارتو ضعیف \(wpo\) اسماً راضی می‌کند](#)

حداکثر سازی برای خود و حداقل سازی برای رقیب در بازار رقابت (competition market) برای نظام سرمایه چپاول گر مطلوب تر است که در بازار منافع خود حداکثر و منافع رقیب را حداقل نماید، حتی ویلفردو فدریکو داماسو پارتو در نوشته های خود توصیه کرده است که حد انصاف را برای رقیب مراعات کنند که توصیه و نصیحت ، جزء روش های معاملات و رفتارهای بازار رقابت مغرضانه و سود جویانه نیست ، روزی که آدیداس (Adidas) در آلمان تاسیس شد، فریاد برآورد که تمام رقبایش را به زمین خواهد زد (در سال ۱۹۲۴) ، تا پایان دهه ۱۹۸۰، ضربات سختی به آدیداس در آمریکا وارد شد. فروش آن ها به دویست میلیون دلار کاهش پیدا کرد و نایک رکورد ۲/۴ میلیارد دلار را برای خود ثبت کرد. در آن زمان، نایک و ریباک بیش از ۵۰ درصد از سهم بازار آمریکا را تصاحب کردند و سهم آدیداس به ۳ درصد رسید، برند آدیداس در آن زمان به خاطره ای دور برای میان سالان آمریکایی تبدیل می شد و جوانان نیز شناختی از آن نداشتند. در سال ۱۹۹۳، یکی از کارشناسان کسب و کار از این عبارت برای Adidas استفاده کرد: "برندی که پنج گلوله به سرش شلیک شد" من در طرح این مسائل عدیده در 300 مقالات خود ویا رساله های خود ، این نوع سوداگری را مختص غرب دانسته که شیوه های ظالمانه و خاص خود را به صورت رشته های درسی در مراکز اکادمیک شرق هم سرایت داده است و تحت استراتژی های متنوع و متعدد رقابت در بازار ، جنگ رابه بازار رقابت تبدیل کرده است و این جنگ بازار

، جنگ های خونین دیگری را وجود آورده که در جدول هزاره چالش ها و بحران ها از این محقق ، مشاهده میکنید، این دورس از نظر طرح ما باطل است و بایستی زوده شود.

اساس روش شناسی حکمتی- فلسفی ، صحت شناسی و دروغ شناسی است ، مدیر باید با آموزش های دروس میان رشته ای این حکمت بالغه ، حقایق فلسفی اولی ، بسیاری از اعتباریات را و وهمیات بشناسد، خود اعتبارات ، بیشتر از انتزاع ذهنی و پردازش های غیر حقیقی است ، باید قبول کنیم که اعتبار اسکناس های بدون پشتوانه کشورهای مختلف ، ذاتی و حقیقی نیست و در بحران ها حبابی بودن آنها آشکار میشود ، صدق (truth) در حقیقت خود ، گاهی با عینیت های صوری (real or fact) متفاوت است که چندی است که غرب به صحت این تفاوت قانع شده ولی راه و رسم ، جدائی این دورا جستجو نکرده است ، حقیقت که من در چندین رساله و مقاله وارد کرده ام ، امری ثابت و قانونی جهان شمول و به زمان و مکان خاص و مقطعی ارتباط ندارد ، حقیقی که در ایران صدق میکند در آمریکا هم صادق است که محقق صدق شناس درک میکند و از درک عوامانه بدور است ، پس اعتبار یک مصداق عینی طلب میکند نه واقعی و نه اعتباری که در روش شناسی حکمتی - فلسفی تحصیل میشود ، و روش های تعلیمی این گونه دروس با دروس دانشگاهی فعلی متفاوت است (به مقالات من رجوع شود).

اعداد حقیقی هستند ، جمع طبیعی آنها هم حقیقی است ، ولی با بازی اعداد که بجای عدد شئی قرار میگیرد ، این صحت پذیری ، به سنجش های لازم نیاز دارد که با شخص و مناط فنی و معیار و پیمانانه تعیین میشود و باید استاندارد شود (استاندارد معنوی و فیزیکی که سازمان استاندارد ملی در این مورد بنامه من واقعی نهاد ، در غرب نشانه های بروز استاندارد های معنوی در مستندات زیادی ملاحظه میشود) ، بنابراین وهمیات از هر کس و هر ادیب که باشد مثل سیمرغ ، شانس، تصادف ، و نظایر اینها دروغ است ، بنابراین برای رهایی از وهمیات ، نباید فرض ها (presumption) و فرضیات (theory یا hypothesis) را از اعتبارات شروع کرد ، مثل اینست که ریال بدون پشتوانه ایران را با دلار بدون پشتوانه آمریکا قیاس کنید ، هر دو حبابی است ، ولی در قدرت خرید ، رابطه (Purchasing power parity) PPP در یک بسته کالائی کاملاً مساوی از لحاظ کمی و کیفی ، قدرت خرید ایرانی 5 برابر دلار استرالیا و 7 برای آمریکا است (ارزش دلار استرالیا 37 در صد از دلار آمریکا کمتر است) به عبارت دیگر اگر یک نفر در آمریکا با حقوق ماهیانه خود در ایران خرید کند ، 7 برابر همان کالا و خدماتی را می خرد که در آمریکا می خرد ، این اعتبار ذاتی است به لحاظ سبد کالائی (basket of goods) نه به سیاست گذاری بانک مرکزی کشورها ، پس بین حقیقت و آنچه در سیاست اقتصادی کشورها و مراودات است و مردم بدون توجه به این نکات اساسی ، به آنها استناد میکنند ، صحت ندارد.

در کاوش های علمی و فناوری ، استارت آپ ها و شرکت های دانش بینان و محققان میان رشته ای نباید ، فرضیه ها از اعتبارات اخذ کنند یا به بازی ریاضیات قانع شوند ، تا چیزی موجود نباشد ، برای

ناموجودیت ها نمی توان فرض قائل شد ، کشوری که نفت ندارد ، باید نفت به همان قیمت بخرد که در اجلاس کشورهای نفتی ملاک ارزش پیدا میکند ، فرد داخلی هم باید با همین رقم خریداری کند ، مگر اینکه دولت بر حسب قدرت خرید مردم و با تکیه با سایر منابع و پتانسل های کشور که حقیقی هستند ، قیمت برای شهروندان خود تعیین میکند که بسیار ارزان تر است ، هر گونه اسلوب اینگونه به قیاس عقلی و از طریق تحقیق و آنالیز فنی است و تکیه گاه این تحلیل بر اساس قانون و مقررات که شاخص ها و سنجش ها و استانداردهای آنها را ملزم میشود و از کمینگاه سلاقی نجات می یابد، فلسفه از بود و نبود از وجود یا عدم وجود سخن میگوید و در این مورد به براهین در قیاس عقلی میپردازد و ادراک حسی رانانوان میداند ، یعنی باید ابتدا مفروض الوجه شئی معلوم شود و سپس حواس و احکام آن به جستجو بپردازد، انتزاع که خاص ذهن است نیاز مند به یک سری قیاسات و استقراء ها میباشد با ادراک صرف حسی نباید آسوده خیال شد ، به فرضیه علمی نیاز است ، که سیر خود را در آزمون این فرضیه بسوی وجود باز میکند.

3. بر اساس مدل قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM)، منظورمان از تخصص در امر مدیریت چیست و به چه آمیخته هایی از آموزه های اساسی نیاز دارد

همانطور که بیان شد ، علم فقط محصول حواس نیست و خود انواع علم یک جدال عقلی است که در بعضی از آموزه ها که صرفاً از نوع عقل حسی از طریق دستگاه حسی و اعصاب است، پای لنگان دارد ، علم باید ما را به معلومات و ارزش معلومات هدایت کند در غیر این صورت یک امر ذهنی است که مفیدیت آن مشخص نیست ، از دیدگاه حکما، آنچه به نام عقل هیولانی گفته می شود، اشاره به عقل فطری، و آنچه در مورد مراتب عقل نظری، نظیر عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد گفته می شود، اشاره به عقل اکتسابی دارد. (ملاصدرا، 1410: 418/3-420) ، نتیجه این که، عقل فطری در نوع انسانی به طور بالقوه موجود است و عقل اکتسابی هم با تجربه حیات (به معنای عام آن) برای انسان حاصل می شود. این از نظر روایت و حکمت و علوم تجربی مسلم است، ولی با این حال ، اصالت علم به معلوم شناسی آن است و شناسانده معلوم (یعنی عالم) ، یعنی اتحاد مثلث (علم ، معلوم و عالم) ، و این آمیزه را ما تخصص می نامیم (که با تحصیل در اصول و فروع ukrm به مدیر شایسته تبدیل میگردد)، حس و تجربه در همه ادراکات جواب درستی نمیدهد ، اینکه می گوئیم که یک نفر بدون تحصیل اکتسابی یا حضوری ، فقط با مشاهدات عینی و تجربه آموختن ، عالم نمیشود ، درست است ، ضوابطی در فرضیات علمی است که معلوم را نشان داده و عیان میکند ، دایره آن موقع درست و دایره است که تقسیم محیط آن بر قطر آن مساوی با عدد پی (π) باشد ، اینگونه فهمیدن ، دانش مفید است ، با تجربه نمی توان به فرضیه دست یافت و بدون آزمون فرضیه نمی توان به دانش که همان خصایص موجود حقیقی (The truth being) است ، دست یافت ، بجای داروی شفا بخش ، داروی بیمار ساز درست میشود ، یعنی ما باید مشی ای دنبال کنیم که وجود تبیین و تعیین شود (وجود یعنی موجودی معلوم ، هستی، دارای ذات شئی ای یا معنای حقیقی، بدون

اینها هیچ وجدی حاصل نشده و علم تلقی نمیشود و مفیدیتی ندارد ، یا اثری ندارد (نه نفع چه ضرر) ، از موارد و همیات است) و این کار حکمت و فلسفه است که از کنکاش های آن علم زایش میکند ، فرق دانش مفید با دانش اینست که دانش مفید بدنبال جدا کردن حق از باطل بمعنی تام واکمل وشمول عام این دو واژه است ، در غیر این صورت ارزش از ناززش مشخص نمی شود .

خاستگاه غرب بصورت دروس دانشگاهی از یک طرف واز سوئی دیگر با ایجاد سیستم های مقوم ، نظام سرمایه داری بنا نهاده شده که با این اصول کاری ندارد ، من این موضوع را در مثلث " تولید انبوه ، مصرف انبوه ، اسراف" به عنوان مبعثی از طرح روستو (Rusto) به نتایج خطرناکی رسیدم که جهان سرمایه داری غرب دچار این مخاطرات مهلک شده است ، مفصل مورد بحث قرار دادم (رساله 70 از این محقق) ، بنابراین چپاول گری ، یک طرح سیستماتیک غربی است ، ظاهری خوش آیند وباطنی زهر گونه است ، متلاشی کننده است ، هم خودش و هم دیگر بازی کنندگان و هم پیمانان و پیروان خود را ، آینده افعالی بدون عدالت در تولید ؛ مصرف ، نهایتاً منجر به اسراف وحشتناک در غرب شده ، بطوریکه دورریز های مواد وپسماند غذایی غرب ، شکم میلیون های انسان گرسنه را در روی کره زمین سیر میکند، لذا خداوند منتقم وارد انتقام از این سلطه استعمارگر واستثمارگر شده و جهانی پر از آشوب های متنوع ، آنرا در بر گرفته است، دانش نامفید ، سوغات غرب است که حتی برای خودش ، طبیعت وزیست گاه ها وزمین وفضای آن ، انسان ، جانوران وگیاهان را دارد نابود میکند.

آنچه گفتیم به عنوان معلوم فطری (inherent definition) یاد میشود ، این فطرت است که اصالت واقع را بر اساس مفیدیت آن تأیید میکند ومی توان بر اساس تجربه به توسعه وقوام آن پرداخت ، در اینجا سبک واقع گرایی (realism) با این شروط درساخت وتولید ایده صحیح است ، در غیر این صورت غلط میباشد ، عقل بدون توسل به قوای حسی ، می تواند مستقیماً به معلوم ماجد برای درک وجود راه پیدا کند ، واین معلوم فطری است که دانشمندان حقیقت یاب مثل انیشتن یا نیوتن از آن به عنوان الهام (inspiration) یاد میکنند ، در این دیدگاه ، اگر یک پزشک به مدیریت یک بیمارستان منصوب شود غلط است ، باید به دانش مدیریت مسلط شود ، اگر یک مدیر بدون تخصص طبابت به مسئولیت ومدیریت یک بیمارستان منصوب شود ، غلط است وهمه اینها باید آگاهی های لازم را از مبانی دانش میان رشته ای داشته باشند وبه دانش اکادمیک خود بسنده نکنند وترجیحاً در جریان حیات بخش " یادگیری مادام العمر" قرارگیرند ، این فعل شوق آور وپرانگیزه وتحرك فطری انسان ، مربوط به انسان شایسته است .

4. آشنایی با مبانی شی گزایی در سیستم گذاری در غرب و اشکالات آن

تاریخچه شی گزایی که یک مفهوم ساده از وجود است ، اولین بار در سال 1966 در قالب زبانی که به منظور پیاده سازی شبیه سازی کامپیوتری (simula) تهیه شده بود ارائه شد و در سال 1970 ،

مفهومی تحت عنوان Abstract Data Type (ADT) بوجود آمد، در دهه 70 زبان small talk مهیا شد و ویژگی آن، این بود که رابط، میانجی یا مشترک (interface) بصورت فهرست امکانات (menu) قابل طراحی باشد و این ویژگی بدون درک شی گزایی یا ابژه (Object) ممکن نیست از همه مهمتر موضوع پر اهمیتی که ما روی آن پافشاری میکنیم، موضوع به ارث بردن و مالکیت (Inheritance) این شی (ذاتی یا معنایی) است چه کسی مالک اشئی (مادی یا معنوی) است، ظاهراً محققین غربی در آن زمان به این مفاهیم کلیدی بر اساس حکمت و اصالت فعل توجه داشتند و امروز که سلطه سران سرمایه داری بر کلیه شئون غربی غلبه کرده است و هزاران چالش و بحران را در غرب را ایجاد کرده است (به ثلاثی هزاره چالش ها از این طراح مراجعه شود)، این مبانی از اصالت افتاده و با فشار عکس های شهوت رانی و تحریک کننده و گاهی مضحک و مضمئز کننده، به دنبال مشتری در بازار قرمز (red market) هستند و معلوم است، چه چیزی به عنوان (ابژه) بدست مشتری میدهند.

مفاهیمی که آن زمان هم مصطلح بود و امروز، عنان تفکر صحیح را از نظام سرمایه داری گرفته و فرصت های ناب زمان حاضر را درک نمیکند؛ تکیه بر واقعی بودن (real) بودن به عنوان درک حقیقی بودن آنست، درست که هر مفهوم مادی یا معنایی در دنیای واقعی (real) را شیئی است، ولی مفیدیت آن برای عموم بشریت که حقیقی (true) بودن آنرا در همه مکان ها و زمان ها مسلم میکند و به وارث آن برای احراز مفیدیت عرضه میشود، کجا است؟، شاید شخصی پیدا شود و نتواند این حق را اثبات کند و یا به این حق برسد، چه سیستمی و چه نظامی عهده دار رهبری و مدیریت برای احقاق حقوق انسان ها است (من در ده ها مقاله و رساله از هزاران حقوقی که از ملل جهان چپاول شده، هزاران شاهد و مثال آورده ام)، بنابراین تعریف ما از شیئی و شئی گزائی، همانست که گفتیم، باید وجدی متمایز (Attribute) از صورت گزائی شهوت آلود و فساد انگیز غربی باشد، پرستیز بازی، مُد درست کردن، پُرآفریدن، سرگرمی های غافل کننده بشر را با این نرم افزار ها و سخت افزار خلق کردن و صدها افتراحت مالی، سیاسی، اجتماعی و هنری و تکنولوژیکی که امروز بشریت را تهدید به مرگ کرده است، باید از فهرست زندگی بشر حذف شود.

کلاس بندی ها (classicization) اشیاء موضوع مهم دیگری است که باید مورد محققان و شرکت های دانش بنیان قرارگیرد و مثلث "مجموعه حقیقی، مجموعه رفتاری، مجموعه عام و خاص آن ها" باید در شالوده سازی و ساختار سازی سیستم ها، شبکه ها، رسانه ها و تمام کسان یا سازمان های ذی ربط را در بر بگیرد، موضوع مثلث "مجموعه حقیقی، مجموعه رفتاری، مجموعه عام و خاص آن ها" موضوع مهمی است که در رساله دیگر من از طریق محققان گرامی، قابل جستجو میباشد (به وب سایت من مراجعه شود)، ما به برکت درکی که از حکمت و فلسفه اولی و ارزش معلومات حقیقی داریم، این موقعیت را دریافتیم که واجد وجود حقیقی، هر کس و هر جای این کره است، شوقی ژرف، انگیزه ای پر قدرت و تحرکی فطری با شکوه را تجربه خواهد کرد و اینها مربوط به انسان و مدیر شایسته است.

5. شکندگی امروز غرب در حوادث تکوینی ربطی به ایران هراسی ندارد ، غرب باید از درون خنثی شده خود از حکمت و فلسفه حقیقت یاب هراسناک باشد

وجود ذات النفس انسانی اعتقاد میکند ، آنچه واقع میشود ، جزء معلومات او قرار میگیرد و منظور از علم مربوط به حاصل و اثر آن در ارزش معلومات بدست آمده و گرنه مفهوم علم ودانائی ، بیشتر ذهنی است تا ابژه باشد ، پس ذات انسان ذات (genius or essence) را درک میکند که پایه و اساس مناط (or basis Related) قرار میگیرد میتواند معنی یکتائی (one) بدهد که وجه تمایز آن برای تقاضای مفیدیت از جانب متقاضی بدون گول زدن او است، این طبیعت گوارا را میتوان روح (spirit) و حیات ممتاز (distinguished life) بشرنام برد، ما برای این حقیقت مسلم و اژه بدیهی (of course) را بکار میبریم ، که مفیدیت آن با ماهیت و ساختار انسان مبرهن (self-evident) میشود و مورد وثوق (confidence) قرار گیرد ، این وثوق منبعث از میثاق انسان با خالق خودش است (به کتاب روح میثاق و قراردادهای اجتماعی این مولف مراجعه شود)، اطمینان به مسئله وثوق ، یکی از رویکرد قطعی استارت آپ ها و شرکت های دانش بنیان است .

پس قاعده " واقعیت ، وثوق ، انطباق " یک امر الزامی در تحقیق است ، اگر قرار بود که علم و معلومات آن ، خود بخود و یا با درک حسی بوجود بیاید ، همه مردم دنیا ، عالم بودند و دیگر جهلی در کار نبود ، در حالیکه عکس موضوع واقع شده است ، انسان اسیر سیر باطن خودش است یا زندان ذهن یا زندان زمان (دو شعر مجزا به عنوان زندان ذهن و زندان زمان از این محقق)، به نظر من ، خیر و شر از همین سر باطن (in actual truth mystery) سرچشمه میگیرد ، آنکه چپاول گر و حق مردم خور است ، کاری به این براهین و نصایح حکیمان ندارد ، خر خودش را میراند که روزی به چاله بیافتد ، چنانکه حکیم زنده دل تاریخ ما سعدی علیه الرحمه فرمود " چاهست و راه و دیده بینا و آفتاب تا آدمی نگاه کند پیش پای خویش چندین چراغ دارد و بیراه می رود بگذار تا بیفتد و بیند سزای خویش " یا آنجا که ضرب المثل است " ترحم بر پلنگ تیز دندان، ستمکاری بود بر گوسفندان " و این و هزاران براهین و نصایح از حکیمان به گوش گر ، چشم نابینا ، دل سنگی و جفا پسند این مجرمان زمان نمیرود، مشکل ما با این جرثومه های مفسد فی الارض نیست ، با مماشات کنندگانی است که در مصادر امور با دزدان و دلالان آنها همراهی میکنند به قانون گذرانی است که از حکمت و برهان و عقلانیت روی گردان هستند ، با قضاتی است که با رشوه خواری حق را باطل و باطل را پیروز میکنند (به شعر گل های جهنم من مراجعه شود) با شیطان بزرگ و بچه ها و نوه و ننگنده های او است که دنیا را به بدبختی و فلاکت دچار کرده اند.

علم اشیاء همان حکمت است ، حکیم فقط حمّال کتب علمی نیست ، بلکه عمل خیر مایه افعال و کردار اوست ، حکیم می فهمد که همه اشیاء عالم وجود بر یکدیگر تاثیر دارد و از این جا همگرایی و هم افزایی برای زایش ارزش افزوده (value added) معنی خاص خودش را برای امور مفید پیدا میکند ، هر کار

غیر مفیدی که فردی انجام دهد ، کار حرام است و باید منتظر حوادث ناگوار آن باشد ، انسان برای انسانیت خلق شده است نه برای شهوت رانی و زیاده خواهی و حق مردم را خوردن ، یک امر ضروری برای فرد زیاده طلب و دنیا پرست ، برای همه ضروری نیست ، هر استصوابی از هر کس برای کل جامعه در حکم نظریه استصواب نیست ، هر چیز متحرک از زمره حرکت جوهری نیست و جریان حقیقت را آشکار نمی کند ، هر چیزی که وارد شکم کردی ، غذا نیست ، بعضاً سمّ است و قوای بدن را برای قبول و پروس ها و میکروب و باکتری های خطرناک آماده میکند ، این چگونه امور از یقینیات (Certainties) است از مفیدیات (usefulnesses) است ، تصدیق آنهم با هرکس نیست ، با مصدق شناس (Truthghologist) است ، هر چیزی نسبی (Relative) نیست ، بعضاً مطلق است و تشخیص آن با مطلق شناس (Absolutist) است با تضارب افکار (Conflict of Thoughts) و جدال فازی (Fuzzy controversy) و دیالوگ و دیالیتیک (Dialectical) (Dialogue) حل و فصل نمیشود (The solution cannot be resolved).

شکندگی غرب از اینجا معلوم میشود که اتحاد عاقل و معقول در حقوق جامعه بشری گم شده است ، یعنی غرب بما میگوید " که شما چی میگوئید ؟" حکایت لردی است که از یک خیابان می گذشت و دید بچه یتیمی گریه میکند ، از همراهان سوال کرد: این بچه چرا گریه میکند ؟ به او گفتند که او گرسنه است ، لرد گفت : گرسنگی یعنی چه ؟. شیطان بزرگ گرسنه ها و فقیران افریقا و سیاهان آمریکا ، و کسانی که آنها را بدبخت کرده است ، میگوید " کثافت" و خبر ندارد که اصل کثافت خودش است و هر کس میداند که چکاره است (Everyone knows that it is) و با طینت خود به دیگران نگاه میکند !، در اینجا بحث سنخیت (genesis) است ، مگر یک آدم بدجنس و بد سنخ می تواند ، یک شبه خوش جنس و خوش سنخ شود !؟، حافظه بد جنس با حافظه خوش جنس فرق میکند ، دو گونه داده های (data's) متفاوت دارد ، درک این یکی با آن یکی فرق میکند ، اینکه بپنداریم ، این تازه همان کهنه است ، یک درک ناقص و ناقص است ، یعنی هنوز در خم یک کوچه هستیم ، هنوز تغییر نکردیم که تازه، تازه بگوئیم ، شا داب و طراوت و تازه گوئی ، با غلط گوئی و دروغ گوئی و خلق بدی و شرّ بدست نمی آید .

بدکار دیروزی ادبیتائی را بکار میبرد که بدکار امروزی آنرا شبیه سازی میکند ، شبیه سازی ها از یک مقوله است ، خیر خواه دیروزی با امروزی فرق نمیکند ، گویشش فرق کرده است ، حافظه کهنه و گندیده است ، که شیطان بزرگ مجسمه آنست، کشف حافظه بدکار با کشف حافظه نیکوکار تفاوت میکند ، اگر علم این ها معلوم نکرده است به حکمت رجوع نکرده است ، مریض های اطراف خودش را غربال گیری کرده است و اسمش را گذاشته ، تحقیقات علمی و مقاله میدهد که در این غربال گیری شهرت پیدا کند ، برای اینکه از مسیر حق دریافت نکرده که حافظه (memory) محصول عمل مغزی و دماغی نیست ، خود حافظه از سنخ معنوی است و مادی نیست ، برای صوری استفاده کردن، نظیر مدرکات دیجیتالی ، فعل ناچیزی لازم است و حرکت جوهری ان به در نتیجه طول موج دوبروی (de Broglie wave) آن برای انرژی های معمول بالاتر است ، بحث زمان در حافظه ، بچه معنا است؟ ، زمان مرتباً در تغییر است ولی

حافظه ثابت یعنی چه؟، در زمان ایستائی نیست ، چرا حافظه های کهنه از تغییر باز مانده اند؟ ، جزء اینست که نیت و طینت و طبیعت دیگری دایر مدار این حافظه داری است که شیاطین خیلی خوب میدانند! روح دارای شخیصت مستقل از ماده است ، نفس انسانی امری مستقل از این غوغا سالاری علم است ، علم النفس یعنی خود آگاهی ، یعنی شعور خویشتن (یعنی من) این یک اُنس است که در من مانوس شده است ، جزء معلومات کهنه یا نو من است ، من دارم با همین معلومات با شما سخن میگویم ، مرا می فهمی ، پس با من هستی! ، حرف چه کسی را می فهمی ، پس با او هستی ! ، من این فهم با تو بودن و یا با دیگری بودن، هستم (ورانشناسی گشتالتی) ، از ادبیات مستخرجه از حافظه تودر کلمات اولیه می فهمم ، نمی توان در وادی حکیم نقش بازی کرد .

کسی که اینها را نفهمد ، تنها میشود ، شکننده میشود ، در سیاست ها و تصمیم گیری ها درمیماند ، مورد هجمه اهل حق قرار میگیرد ، می خواهد با حافظه نسبیت گرائی خود به حل مسائل بپردازد ، گاف (goof) میکند، یعنی مرتباً سوتی میدهد و رسوای خاص و عام میشود ، بعد عصبانی میشود ، کم کم هذیان (delusion) میگوید ، می خواهد حرف درست بزند و جبران مافات (make up for the past) کند ، ولی زبان او نمی چرخد ، گوئی عنان زبان ، عقل و همه چیز را از دست داده و مثل فرعون پرت و پلا (Outlaw) می گوید ، تارومار است، مرض ها ئی میگیرد که اطباء هم از درک آن عاجز هستند ، نظیر این حوادث در تاریخ فراوان است ، کشف جدیدی نیست، فقط باید دنیا را جور دیگری دید که نگاه حقیقی به آن است ، به آدم ها ، به جهان ، به مدیران و غیر ذالک ، اصالت دید با نگاه چشم مسلم نمی شود ، به کشف و شهود نیاز دارد ، تا قدرت انطباق پیدا کنیم ، تا هست را نیست و نیست را هست و حق را باطل و باطل را حق ندانیم ، اینها درموراء دیدگان سر مانیتست ، وجدانی است ، با حقیقت انسان و انسانیت سروکار دارد .

منوط به اعتباریات و معلوماتی که این ابداع کننده در مدل یکتای UKRM آورده است به تجزیه و تحلیل های فاصله (gap analysis) نیاز دارد که وقتی قانع شدی با ماده این قناعت میثاق و الفت می بندی ، اساس بلد بودن در عمل کردن است ، اینکه مدعی هستی بلد هستی ، نیازی به گفتن نیست ، من در عمل تو سنجش میکنم ، آنچه منوط به علم النفس تو است در عمل و جوارح توقابل مشاهده است ، نمایشی نیست ، انجام دادنی است ، اگر انسانی اینگونه شد، هرگونه کشف و شهود او یقینی و مفید است.

6. هر علمی نباید در قالب های رویکردی خود بسندگی اختیار کند و خود را در راس علوم تلقی کند، مدیریت جهانی حکم میکند که از همه مفیدیت های تجربی ، حکیمانه ، فلسفه حقیقت یاب ، آزمون های تائید شده جهان بشریت بهره مندی حاصل شود.

قرآن کریم به صراحت موضوع جامع نگری ، خبره میان رشته ای و ارائه پاسخ های همه جانبه در ابعاد مختلف مطالبات بشری و سراسر جهانی را از هر محقق ، دانشمند مدعی و کسانیکه مدعی نجات بشر از

هزاران چالش ها و بحران ها و مصائب جهان هستند ، مسلم کرده است ، چنانکه در سوره نحل آیه 69 میفرماید "و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ" یعنی " و ما بر تو این کتاب (قرآن عظیم) را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد" (And We will bring you, [O Muhammad], as a witness over your nation. And) we have sent down to you the Book as clarification for all things and as guidance (and mercy and good tidings for the Muslims).

در آیه دیگری بهمین مناسبت در سوره نحل و آیه 64 میفرماید " وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ ۚ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ" یعنی : " و ما این کتاب را بر تو نفرستادیم مگر برای این که حقیقت را در آنچه (از توحید خدا و معاد و رسالت و غیره) مردم اختلاف می کنند روشن کنی و برای اهل ایمان هدایت و رحمت باشد" (And We have not revealed to you the Book, [O Muhammad], except for you to make clear to them that wherein they have differed (and as guidance and mercy for a people who believe. اصول مدیریتی و راهنمایی بشر حکم میکند در سوره بقره آیه 85 میفرماید "ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تَخْرُجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تَفَادَوْهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ ۚ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَ مَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ" یعنی " (با این عهد و اقرار) باز شما (به همان خوی زشت) خون یکدیگر می ریزید و گروهی از خودتان را از دیارشان می رانید و در بدکرداری و ستم بر ضعیفان همدست و پشتیبان یک دیگری، و چون اسیر شوند برای آزادی آنها فدیة می دهید، در صورتی که به حکم تورات، اخراج کردن آنها بر شما حرام شده است! چرا به برخی از احکام ایمان آورده و به بعضی کافر می شوید؟ پس جزای چنین مردم بدکردار چیست به جز ذلت و خواری در زندگانی این جهان و بازگشتن به سخت ترین عذاب در روز قیامت؟ و خدا غافل از کردار شما نیست" (Then, you are those [same ones who are] killing one another and evicting a party) of your people from their homes, cooperating against them in sin and aggression. And if they come to you as captives, you ransom them, although their eviction was forbidden to you. So do you believe in part of the Scripture and disbelieve in part? Then what is the recompense for those who do that among you accept disgrace in worldly life; and on the Day of Resurrection they will be sent back to the severest (of punishment. And Allah is not unaware of what you do.

نگاه غیر جامع و محدود ساحتی بعضی حوزه های علمی اعم از دینی ، پزشکی ، فناوری ، اقتصاد و غیره (مثلاً نگاه عبادی در حوزه دین و بیان امثله و صدور احکام برای هر حوزه علمی دیگر) یک ایراد اساسی به شمار می آید ، شمول حقوق و فنون که امروزه از هزار رشته بالغ شده است و هزاران دانشگاه مختلف در سطوح گوناگون عهده آموزش و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آن در سراسر جهان هستند ، در نگاه اندیشمندان فرهیختگان و فرزندان جهان ، نامطلوب است و اصرار و ابرار بر اینکه دیگران برگفتار تک ساحتی و یا محدود و محدود یک حوزه بر سایر حوزه ها ترجیح داده و اوزان و چگالی علوم و ففونی که امروز جولان گاه و شالوده ساز کلیه فعالیت ها و جریان ها و امواج دانشگاه ها ، حوزه بهداشت و سلامتی ، زیست گیاهی و حیوانی ، صنایع گوناگون در زمین ، زیر زمین ، فضای زمین و کرات شده و همه امور مردم در شئونات در نور دیده است ، نادیده گرفتن ، حاکی از تعصب و غرور علمی و یا فقدان حظّ میان رشته ای و یا کم لطفی خاص به بهره های خیر و برکت و فیوضات و سایر مفیدیت فراوان این توسعه علمی و دانش بنیان ها است .

مطلب فوق که **اظهر من الشمس (clearer than the sun, too obvious)** است و در نزد متخصص و خبره میان رشته ای امری محتوم و اصولی بارز و آئینی استوار غیر قابل تردید است ، بعضی مواقع می خواهند کمبود فوق را در یک کار گروهی با تضارب افراد و جدال علمی یا فلسفی و گفتگوهای جمعی مثل مدل فازی (Fuzzy model) جبران کنند و یک بسته تصمیم سازی شده را برای تصمیم گیری به مدیران بدهند که آنهم ایراد اساسی دارد ، برای اینکه هر کس بر اساس روانشناسی گشتالتی (Gestalt psychology) اصرار بر دانسته های و عقاید و تعصبات بالملکه خود دارد ، و پرت کردن کلاه و لنگه کفش بیک دیگر ، یقه گرفتن و کت از تن درآوردن ، و به زور عقیده و مرام خود را در دیگران خوراندن و یاری گرفتن از سایر امکانات و ظرفیت ها برای سوار کردن نظر خود بر دیگران بر کرسی تائید و به اصطلاح شاخ شکنی کردن (Horn breaker) از رقیب نظیر بازار قرمز و رقیب کش (swagger and Red market) مشی امروز جهان شده است (به هزاره چالش ها و بحران های جهان و نیز 300 مقاله و 70 رساله از این مولف مراجعه شود).

این ابداع کننده مدل قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM) که ترم یکتائی در جهان است با 13 سال تحقیق پر مخاطره و رنج فراوان این مدل را در 500 هزار صفحه و صد ها فرم و جدول آماده کرده و برای تهیه پلتفرم آن در حال تلاش و فراهم آوری است ، که یک سیستم پویا جایگزین دانشنامه های ایستا و یک سویه نظیر گوگل و غیره قرار گیرد و تعاملی و پویا عمل کند ، خداوند متعال را برای ادامه یاری مستمری که تاکنون به این بنده عنایت کرده است سپاسگذار بوده و طالب عنایات بیشتر و کامل برای پیاده سازی این مهم از ذات مقدس حق تعالی هستم